

معمای شکوفایی

«چگونه نوآوری ملتها را از فقر بیرون می آورد»

کلیتن ام کریستنسن،

انوسا احمو و کارن دیلون

ترجمه: جعفر خرمخواهان

به سفارش

کمیته پژوهش «صندوق کارآفرینی امید»

پاییز ۱۳۹۸

سرشناسه	: کریستنسن، کلیتون ام، ۱۹۵۲ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: Christensen, Clayton M. معمای شکوفایی: چگونه نوآوری ملت‌ها را از فقر بیرون می‌آورد/نوشته کلیتون ام. کریستنسن، افوسا اجمو و کارن دیلون؛ به سفارش کمیته پژوهش صندوق کارآفرینی امید؛ ترجمه جعفر خیرخواهان؛ ویراستاران سیدابوالفضل میرقاسمی، فرشته احمدی‌پور، شکبیا خیرخواهان.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات احمدی‌پور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص.: مصور.
شابک	: 9786226057561
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: عنوان اصلی: The prosperity paradox : how innovation can lift nations out of poverty, 2019.
عنوان دیگر	: چگونه نوآوری ملت‌ها را از فقر بیرون می‌آورد.
موضوع	: رشد اقتصادی
موضوع	: Economic development
موضوع	: ثروت
موضوع	: Wealth
موضوع	: فقر
موضوع	: Poverty
شناسه افزوده	: افوسا
شناسه افزوده	: Ojomo, E. a
شناسه افزوده	: دیلون، کارن
شناسه افزوده	: Dillon, Karen
شناسه افزوده	: خیرخواهان، جعفر، ۱۳۳۶ - مترجم
شناسه افزوده	: کمیته پژوهش صندوق کارآفرینی امید
رده بندی کنگره	: ۲۵۸۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۰۶۱۲۶

نام کتاب:	معمای شکوفایی «چگونه نوآوری ملت‌ها را از فقر بیرون می‌آورد»
مترجم:	جعفر خیرخواهان
ناشر:	انتشارات احمدی‌پور
ویراستاران:	سیدابوالفضل میرقاسمی - فرشته احمدی‌پور - شکبیا خیرخواهان
چاپ اول:	۱۳۹۸
تیراژ:	۲۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۷۵۶۱-۱
بها:	۴۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به صندوق کارآفرینی امید می‌باشد

هرگونه چاپ و تکثیر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد

روابط عمومی صندوق کارآفرینی امید

۰۲۱- ۶۴۳۷۱۳۰۵



۰۹۱۱۴۱۶۲۳۵۰

۰۹۰۲۴۴۴۰۷۲۸

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱
بخش ۱: قدرت نوآوری‌های بازار آفرین.....	۷
فصل ۱: مقدمه‌ای بر معمای شکوفایی.....	۹
فصل ۲: همه نوآوری‌ها شبیه هم نیستند.....	۱۹
فصل ۳: در این تقه، فردت هم نهفته است.....	۳۵
فصل ۴: به طرف خود بکشیم یا به زور فشار دهیم: داستان دو راه‌برد.....	۵۵
بخش ۲: چگونه بسیاری از «خورها» با نوآوری به شکوفایی رسیدند.....	۷۳
فصل ۵: داستان نوآوری در آمریکا.....	۷۵
فصل ۶: چگونه شرق هم به غرب رسید: راپن و کره جنوبی.....	۹۳
فصل ۷: مساله کارآیی در مکزیک.....	۱۱۱
بخش ۳: چگونه بر موانع غلبه کنید.....	۱۲۷
فصل ۸: قوانین خوب کافی نیست.....	۱۲۹
فصل ۹: فساد مشکل نیست؛ راه حل است.....	۱۴۵
فصل ۱۰: اگر دولت زیرساخت بسازد، شاید کارآفرین‌ها بیایند.....	۱۶۵
بخش ۴: حالا چکار کنیم؟.....	۱۸۱
فصل ۱۱: از معمای شکوفایی به فرایند شکوفایی.....	۱۸۳
پیوست: به جهان از زاویه دیدهای جدید نگاه کنید.....	۱۹۷
منابع.....	۲۲۳
در باره نویسندگان.....	۲۶۵

پیش‌گفتار

من در ابتدای دهه ۱۹۷۰ به مدت دو سال در کره جنوبی مبلغ مذهبی ایالت مورمون^۱ بودم. کره جنوبی در آن سال‌ها یکی از فقیرترین ملت‌های قاره آسیا بود و اثرات ویرانگر فقر را از نزدیک دیدم: برخی دوستان کره‌ای من به خاطر بیماری‌های قابل پیشگیری جان سپردند و خانواده‌هایی را دیدم که معمولاً مجبور بودند بین داشتن غذا سر میز، یا فرستادن بچه‌ها به مدرسه یا نگهداری از سالمندان خانواده، یکی را انتخاب کنند. تحمل درد و رنج، بخشی از زندگی روزمره آنها بود. آن تجربه دردناک چنان بر روحیه من تاثیر گذاشت که هنگام دریافت بورسیه رودز^۲ برای تحصیل در دانشگاه آکسفورد، تصمیم گرفتم رشته توسعه اقتصادی با تمرکز بر کره جنوبی را انتخاب کنم. من امیدوار بودم با این انتخاب به یک موقعیت شغلی در بانک جهانی دست یابم و در آنجا برای حل مشکلاتی که در زمان اقامت در کره جنوبی دیده بودم تلاش کنم. اتفاقاً در آن سال خاص که متاضی پیوستن به بانک جهانی بودم این بانک هیچ شهروند امریکا را استخدام نمی‌کرد. با حذف این گزینه و در پیچ و تاب‌های سرنوشت، از دانشگاه هاروارد سر درآوردم و در عوض در رشته کسب و کار درس خواندم. با تصاویر فراموش‌نشده‌ای از آن کشور فقرزده همیشه در ذهن من ثبت شد.

خوشحالم بگویم امروزه کره جنوبی بازدید می‌کنم هیچ شباهتی با آن کره جنوبی که در خاطر دارم ندارد. در این چند دهه (پس از اقامت کوتاه من در کره جنوبی)، این کشور نه تنها توانسته است به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل شود بلکه به رتبه‌هایی احترام‌برانگیز در شاخص‌های مختلف در بین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز دست یافته است و از دریافت‌کننده کمک‌های خارجی به اهداکننده کمک‌های خارجی تغییر کرده است.^۱ فرید زکریا، رزنام‌نگار امریکایی تا آنجا پیش رفت که کره جنوبی را «موفق‌ترین کشور در جهان» نامید.^۲ من کاملاً با نظر او موافق هستم. دگرگونی کره جنوبی در عرض فقط چند دهه چیزی کم از معجزه ندارد.

متأسفانه چنین دگرگونی شگرفی برای بسیاری از ملت‌های دیگری که چند دهه پیش شبیه کره جنوبی بودند امکان‌پذیر نبوده است. در نقطه مقابل کره جنوبی، کشورهای بروندی، هائیتی، بنگلادش و اتانالا و کشورهای بسیار دیگری را داریم که در دهه ۱۹۷۰ به شدت فقیر بودند و هنوز هم بسیار فقیر هستند. آن پرسش‌هایی که سال‌ها پیش علاقه‌ام را برای کمک کردن به کره جنوبی برانگیخت همچنان ده‌ها سال است که ذهنم را آزار می‌دهد. چرا برخی کشورها مسیر خود به سوی شکوفایی را پیدا می‌کنند در حالی که دیگران در فقری عمیق پُرمرده می‌شوند؟

روشن است که برای بیشتر کشورها، شکوفایی پدیده نسبتاً جدیدی است. ثروتمندترین کشورها هم همیشه شکوفا نبوده‌اند. برای مثال امریکا را در نظر بگیرید. شاید فراموش کنیم که امریکا دقیقاً چه مسیر درازی را پیموده است. امریکا مدت زمان نه چندان دوری به شدت فقیر و غرق در فساد بود و حکومتی پر هرج و مرج داشت.

^۱ Mormon missionary^۲ Rhodes scholarship

تقریباً با هر معیاری که بسنجیم امریکای دهه ۱۸۵۰ فقیرتر از انگولا، مغولستان، یا سریلانکای امروزی بود.^۳ مرگ و میر کودکان در آن زمان تقریباً ۱۵۰ مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ کودک به دنیا آمده بود. سه برابر بدتر از نرخ مرگ و میر کودکان در منطقه جنوب صحرای آفریقا در سال ۲۰۱۶.^۴ جامعه امریکا در آن زمان - با توجه به نبود زیرساخت‌ها و نهادهای باثبات - هیچ شباهتی با آنچه امروز هست نداشت. اما دقیقاً به همین خاطر است که داستان امریکا به ملت‌های فقیر در هر جایی امید می‌دهد. یافتن مسیری برای بیرون آمدن از فقر، شدنی است. پرسش این است که چگونه؟^۵

ده‌ها سال است بررسی و پژوهش می‌کنیم چگونه فقر را ریشه‌کن کنیم و رشد اقتصادی در کشورهای فقیر به وجود آوریم که "به شایسته پیشرفت‌های واقعی هم بوده‌ایم. برای مثال، نرخ فقر مطلق در سطح جهان از ۳۵/۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به تقریباً ۹/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت.^۶ چنین آماری به معنای بیرون آمدن از فقر بیش از یک میلیارد نفر از سال ۱۹۹۰ تاکنون است. اما این آمار هر چقدر عالی و چشمگیر باشد احتمال دارد حسی دروغین از پیشرفت به ما بدست بدهد. این تقریباً یک میلیارد نفری که از فقر بیرون آمده‌اند اکثریت آنها تقریباً ۷۳۰ میلیون نفر - در کشور چین زندگی می‌کنند. چنان‌که نتوانست نرخ فقر مطلق را از ۶۶/۶ درصد در ۱۹۹۰ به کمتر از ۲ درصد در زمان حال کاهش دهد.^۷ این داده‌ها تأثیرگذار هستند. اما در برخی مناطق جهان از قبیل جنوب صحرای آفریقا، تعداد مردمی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند واقعاً افزایش یافته است.^۸ حتی در مورد آنهایی که آمار و ارقام نشان می‌دهد در فقر مطلق زندگی نمی‌کنند، اما به سلامت و بقاء هنوز بسیار پرمخاطره است.

اگرچه قطعاً پیشرفت‌هایی کرده‌ایم، اما به نظر می‌رسد هیچ اجتماعی در باره چگونگی محو فقر وجود ندارد. پیشنهادات از اصلاح زیرساخت‌های اجتماعی بی‌کیفیت (شامل آموزش، خدمات سلامت، حمل و نقل، و نظایر آن) تا بهبود نهادها، افزایش کمک خارجی، تقویت تجارت خارجی و بسیاری دیگر تغییر می‌کنند.^۹ اما حتی آنهایی که در باره راه حل‌های درست به توافق نرسیدند با این ارزیابی که پیشرفت عملاً متوقف شده است قطعاً موافق هستند.

جدول ۱: تغییرات درآمد سرانه از دهه ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵

ردیف	کشور	دهه ۱۹۶۰	سال ۲۰۱۵	درصد تغییر
۱	بورووندی	۴۷۰ دلار	۳۱۵ دلار	- ۳۳٪
۲	جمهوری آفریقای مرکزی	۶۷۷ دلار	۳۳۹ دلار	- ۵۰٪
۳	مالاوی	۴۱۲ دلار	۳۵۳ دلار	- ۱۴٪
۴	گامبیا	۷۷۳ دلار	۳۸۴ دلار	- ۵۰٪
۵	ماداگاسکار	۱۱۰۸ دلار	۳۹۳ دلار	- ۶۵٪
۶	نیجر	۱۱۹۶ دلار	۴۰۳ دلار	- ۶۶٪
۷	لیبریا	۱۴۴۷ دلار	۴۶۹ دلار	- ۶۸٪
۸	جمهوری دموکراتیک کنگو	۱۷۴۲ دلار	۴۷۸ دلار	- ۷۳٪

۹	توگو	۷۸۳ دلار	۵۷۸ دلار	- ۲۶٪
۱۰	افغانستان	۶۹۸ دلار	۶۱۵ دلار	- ۱۲٪
۱۱	اوگاندا	۶۸۶ دلار	۶۲۵ دلار	- ۹٪
۱۲	سیرالئون	۱۱۲۸ دلار	۶۷۵ دلار	- ۴۰٪
۱۳	بنین	۸۰۲ دلار	۷۰۹ دلار	- ۱۲٪
۱۴	سنگال	۲۰۰۳ دلار	۹۳۵ دلار	- ۵۳٪
۱۵	زیمبابوه	۲۲۰۷ دلار	۱۰۳۷ دلار	- ۵۳٪
۱۶	ساحل عاج	۱۵۴۵ دلار	۱۳۱۹ دلار	- ۱۵٪
۱۷	گابون	۱۶۳۲ دلار	۱۴۰۱ دلار	- ۱۴٪
۱۸	زیمبابوه	۲۲۵۲ دلار	۱۵۷۶ دلار	- ۳۰٪
۱۹	ونزوئلا	۸۵۰۷ دلار	۴۲۶۳ دلار	- ۵۰٪
۲۰	ویت نام	۳۴۰۸۷ دلار	۲۹۹۸۳ دلار	- ۱۲٪

برای محاسبه میزان درآمد سرانه در سال ۱۹۶۰ میانگین گیری کرده‌ایم. ارقام با توجه به نرخ تورم تعدیل شده‌اند.

منبع: صندوق بین‌المللی پول، ماه دسامبر ۱۹۸۰، چشم‌انداز اقتصادی جهان

به این آمار توجه کنید. از سال ۱۹۶۰ تا کنون، کشورهای ثروتمند در تلاش برای کمک به کشورهای فقیرتر ۴/۳ تریلیون دلار به شکل کمک‌های توسعه‌ای رسانده‌اند.^۱ متأسفانه، بسیاری از مداخلات کشورهای پردرآمد تأثیری را که امیدوار بودیم بر کشورهای فقیر داشته باشد نداشته است. در واقع، بسیاری از فقیرترین کشورهای جهان که در ۱۹۶۰ فقیر بودند امروزه هم فقیر هستند. بدتر اینکه دست کم ۲۰ کشور در سال ۲۰۱۵ فقیرتر از سال ۱۹۶۰ شده‌اند، در عین حال که بیشتر آنها، میلیاردها دلار کمک هم دریافت کردند (به جدول ۱ نگاه کنید).^{۱۱}

افوسا اجومو^۱، نویسنده همکار ما در نوشتن این کتاب و از دانش‌آموزان پسین من در هاروارد با درد و رنج‌های مستقیم و دست‌اول از شکست خوردن‌ها به رغم تلاش‌های با نیت خیر ما است. تجربه عملی وی ما را هشیار می‌کند تا از سردرگمی پیرامون این همه پروژه‌هایی که زمانی امیدبخش بودند، طرایی شدند تا شرایط زندگی و کاری بهتری برای اقتصادهای محروم و تهیدست به ارمغان آورند بدر آئیم. زادگاه ارسا، نیجریه است اما او بیشتر دوران بزرگسالی خود را در امریکا زندگی و کار کرده است. بنابراین در عین حال که با مصیبت فقر در کشورهای فقیر بیگانه نبود، اما دغدغه‌ای دور از ذهنش شده بود تا زمانی که شروع به خواندن کتاب بار مسئولیت مرد سفید نوشته ویلیام ایسترلی استاد دانشگاه نیویورک و صفحه «تقدیم به» آن کتاب کرد. این کتاب در واقع متنی انتقادی نسبت به تلاش‌های غربی‌ها برای کمک به کشورهای محروم است. ایسترلی در این کتاب، در باره زندگی آمار تک

دختر ده ساله اتیوپایی نوشت که هر نیمه شب ساعت سه بیدار می‌شد تا از جنگل هیزم جمع کند و سپس باید کیلومترها پیاده می‌رفت تا هیزم را در بازار شهر بفروشد و کمک خرج خانواده خود باشد.

افوسا پس از خواندن داستان زندگی آمارتک نتوانست آن شب را بخوابد. هیچ کودکی مستحق زندگی در چنین شرایط دشواری نیست. بنابراین افوسا همراه با تعدادی از دوستانش، سازمان غیرانتفاعی فقر/اینجا می‌یستد^۱ را تأسیس کرد، تا پول لازم برای ساختن چاه آب در بخش‌های مختلف وطن خود نیجریه را تهیه کند. افوسا بعدها تجربه‌اش را با من در میان گذاشت «هنگام بازدید از جوامع فقیر، کمبود آب نخستین مسئله‌ای است که به آن برخورد می‌کنید. آب یعنی زندگی. به همین دلیل این همه پروژه آب در سراسر جهان می‌بینیم. پیش از هر چیز باید به مردم آب برسانیم. کارهای دیگر پس از آن شروع می‌شود». هنگام دیدار از هر کشور فقیری مشاهده آموزش بی‌کیفیت، جاده‌های آسفالت‌نشده، حکمروایی بد، و سایر نماگرهای فقر که به شدت توی ذوق می‌آید، می‌روند. حال و حالی مشابه پیدا می‌کنید. آیا عاقلانه نیست فرض کنیم پاسخی که مشکل فقر را حل می‌کند، به فرغم که در یک یا تمام این چیزها ربط دارد؟

افوسا موفق شد بیش از ۲۰۰ هزار دلار برای جمع‌کردن و پنج روستا را شناسایی کرد تا به آنها در ساختن چاه آب کمک کند. روزی که افوسا و حامیان^۲ او به سراغ آن جوامع محلی رفتند تا از چاه‌های آب برای نخستین بار بهره‌برداری شود هم افوسا و هم ساکنان محلی، لذتی بی‌حد و حصر بردند. تصور می‌کنم کمتر منظره‌ای شاعرانه‌تر از دیدن آب تمیز فراوان فوران کرده از چاه در روستایی باشد که قبلاً چاه آب نداشته است.

اما با گذشت زمان آشکار شد که این چاه‌ها رسیدگی نمی‌شوند و رو به ویرانی می‌روند. حدود شش ماه پس از ساختن چاه جدید، با خانه افوسا در ویسکانسین امریکا تماس گرفتیم. شد تا به او اطلاع دهند که هیچ آبی از چاه بیرون نمی‌آید و او از هزاران کیلومتر دورتر باید سعی می‌کرد که در نیجریه پیدا کند تا به آن روستا برود و چاه را تعمیر کند. چون همه چاه‌های آبی که سازمان وی ساخته به دست روستاییان بود، یافتن تکنیسین ماهر که قطعات یدکی را تهیه کند و به روستا برود همیشه مسئله برزخی بود. یک مشکل که برطرف می‌شد مشکل بعدی پیدا می‌شد. در حال حاضر فقط یک چاه از پنج چاه در سازمان فقر/اینجا می‌یستد حفر کرده بود هنوز دایر است. افوسا و دوستانش، که با اشتیاق عزم خود را جزم کرده بودند تا به این روستاها کمک کنند برخلاف میل‌شان از ساختن چاه‌های اضافی دست کشیدند.

اما تجربه سازمان فقر/اینجا می‌یستد داستانی یگانه و استثنایی نیست. بر اساس بررسی مؤسسه بین‌المللی محیط زیست و توسعه بیش از ۵۰ هزار چاه خراب و ویران تنها در سرتاسر آفریقا وجود دارد. در برخی جوامع محلی، تا ۸۰ درصد چاه‌ها ویران شده است.^{۱۲} در یکی از روستاهایی که افوسا برای ساختن چاه هدف‌گذاری کرده بود، متوجه

^۱ Poverty stops here (<http://www.povertystopshere.org/>)

شد یک چاه فرو ریخته دقیقاً در فاصله ۱۰۰ متری از چاهی که سازمان فقر/اینجا می‌بایست ساخته بود، قرار دارد که قبلاً یک سازمان کمک بین‌المللی آن را حفر کرده بود اما پس از مدتی به حال خود رها شده بود.

این تجربه برای افسوس، که این همه مشتاق کمک به برطرف کردن درد و رنج مردم بود، عمیقاً ناامیدکننده از کار درآمد. با این شکست، برخی پرسش‌های دشوار در ذهن او شکل گرفت. اگر این مسائل رنج‌آور را با تزریق منابع مالی و نیت خیر نمی‌توان حل کرد، پس چه چیزی به جای آنها مشکل را حل می‌کند؟ چرا برخی تلاش‌ها به نتیجه می‌رسند و تلاش‌های دیگر شکست می‌خورند؟ چرا برخی کشورها بهتر از بقیه کشورها عمل می‌کنند؟ افسوس خردمندانه‌تر از بقیه افراد تشخیص داد که کاستن از شدت فقر - یا مشهودترین نشانه‌های فقر - شاید مسأله ادبی را بلندمدت حل نکند. کاستن از درد و رنج فقرا به معنای ایجاد شکوفایی نیست. لازمه شکوفایی هر کس به شیوه‌ای متفاوت است. امیدواریم این کتاب شیوه فکر کردن شما در باره مسأله توسعه اقتصادی، پرسش‌هایی که مطرح می‌کنید، و راه حل‌هایی را که شرح و بسط می‌دهید تا به جوامعی که نیاز شدید به کمک و راه حل دارند یاری رسانید، تغییر دهد.

منظور ما از «شکوفایی» چیست؟ برخی متغیرهای جانشین بدهی و متداول برای شکوفایی، از قبیل دسترسی به آموزش، خدمات سلامت، امید و نیت، حکمروایی خوب و غیر آن وجود دارد. شاخص شکوفایی لگاتومⁱ که ۱۴۸ ملت را در این دسته‌بندی‌ها به‌بنی می‌کند، چندین سنجه دیگر از قبیل تلاش‌های زیست محیطی را نیز دربرمی‌گیرد. تعجبی ندارد که کشورهای از قبیل نروژ، زلاند نو و فنلاند بهترین عملکردها را دارند در حالی که سودان، یمن و آفریقای مرکزی در انتهای این شاخص هستند.

با وجودی که این سنجه‌ها برای ارزیابی رفاه و بهزیستی اصلی یک جامعه مهم هستند، ما معتقدیم یک متغیر جانشین حتی مهم‌تر به نام دسترسی به اشتغال درآمدزاⁱⁱ در حرکت اجتماعی رو به بالاⁱⁱⁱ باید وجود داشته باشد. بنابراین در راستای اهداف این کتاب، «شکوفایی» را فرایندی تعریف می‌کنیم که مطابق آن بهزیستی و رفاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تعداد هر چه بیشتری از افراد آن منطقه بهبود پیدا می‌کند.

این نقطه تمایز مهمی است، چون چه بسا برخی کشورها را «ثروتمند» بدانیم اما تماماً شکوفاشده طبقه‌بندی نمی‌کنیم؛ مانند ملتهایی که از موهبت منابع طبیعی ارزشمند برخوردار هستند. شکوفایی، بستر ساز آزادی‌های بیشتر - اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - می‌شود و به معنای وابستگی کمتر به یک یا دو منبع انحصاری همچون نفت است. پس با اینکه برخی کشورها ثروتمندند و دنبال روش‌هایی هستند تا ثروت‌های خود را بین برخی از شهروندان خود توزیع کنند آنها را شکوفا در نظر نمی‌گیریم زیرا با وجود این ثروت، نتوانستند فرهنگ پرسشگری،

ⁱ Legatum Prosperity Index

ⁱⁱ Gainful employment

ⁱⁱⁱ Upward social mobility

نوآوری و بازارهای متنوع و متکثر را تشویق و تقویت کنند و این چنین ثروتی به تحرک اجتماعی - اقتصادی برای همه منجر نشده است. چنین منابعی نتایج لازم را به بار نیاورده است تا پس از پایان یافتن یا از دست دادن ارزش‌شان در آینده، شکوفایی با دوامی داشته باشند. اینها همه بیانگر اهمیت درک کردن چیزی است که فقر را ایجاد می‌کند. بنابراین من و نویسندگان همکارم، افوسا اوجومو و کارن دیلون ویراستار پیشین هاروارد بیزینس ریویو با هم عهد کردیم تا تحقیق کنیم چگونه ملت‌های فقیر می‌توانند شکوفا شوند.

برای خواندن آسان‌تر کتاب، متن به شیوه اول شخص (با لحن من) نوشته شده است اما فکر و اندیشه‌ای که در لابه‌لای این صفحات تجسم یافته است تا حد بسیار زیادی محصول همکاری علمی مشترک ما سه نفر است. افوسا و کارن به معنا - واقع - کلمه نویسنده همکار بوده‌اند و من از شراکت و شور و حال آنها که تلاش می‌کنند جهان را مکان بهتری برای زندگی کردن کنند خرسندم. ما می‌دانیم بسیاری از شما نیز با اهداف ما شریک و همدستان هستید.

این کتاب را برای چه ر نوع بیفیع که در ذهن داشتیم نوشته‌ایم.

- نخست، کتاب را برای کسانی نوشته‌ایم که در حوزه توسعه یا پشتکار کار می‌کنند تا جهان را از فقر رهایی ببخشند. ما تلاش‌های شما را تحسین می‌کنیم و امیدواریم رویکرد عرضه شده در این کتاب به شما کمک کند تا در باره مسائلی که تلاش می‌کنید حل کنید، متفاوت و حتی شاید خلاف درک شهودی فکر کنید.
- دوم، کتاب را برای سرمایه‌گذاران، نوآران و کارآفرینانی نوشتیم که مترصد تأسیس بنگاه‌های موفق در بازارهای نوظهور هستند. کار شما نقشی حیاتی در خلق شکوفایی در کشورهای کم‌درآمد و دارای درآمد متوسط ایفا می‌کند. جهان اکنون بیشتر از همیشه به شما نیاز دارد. اما ایده‌های مطرح‌شده در کتاب قرار نیست شما را به سمت سرمایه‌گذاری در این کشورها فقط با حساسیت مسئولیت مدنی پیش براند. این ایده‌ها مطرح می‌شوند تا فرصت‌های بالقوه‌ای را که شاید دیگران نمی‌بینند شما ببینید.
- سوم، کتاب را برای سیاست‌گذاران نوشتیم که دنبال تدوین و اجرای سیاست‌هایی هستند که توسعه را در کشورهایشان شتاب ببخشند. معدود مشاغلی در جهان سخت‌تر از شما کار نمی‌کنند. دولت در کشوری با منابع اندک وجود دارد. ما امیدواریم با ارائه مدلی برای توسعه که در تئوری ریشه دارد، شما را قادر کنیم تا این ایده‌ها را به سیاست‌های توسعه‌ای تبدیل کنید که برای شرایط خاص و یگانه که در زمان مناسب باشند.
- آخرین و مهمترین گروهی که این کتاب را برای آنها نوشتیم، بچه‌های ۱۰ ساله‌ای ما - مارتک در هر جای جهان هستند که سزاوار زندگی بهترند. این کتاب برای ساکنان روستاها در نیجریه نوشته شده است که آب فوران کرده از چاه‌های افوسا را جشن گرفتند لیکن چند ماه بعد نظاره‌گر ویرانی آنها بودند. این کتاب را به پدران و مادرانی تقدیم می‌کنیم که بدون احساس خستگی کار می‌کنند تا امکانات زندگی را برای خانواده‌هایشان فراهم کنند اما قادر به بیرون آمدن از سطح زندگی بخور و نمیر نیستند. و سرانجام، معمای شکوفایی را برای تعداد رو به افزایش جوانانی نوشتیم که هر روز که می‌گذرد، احساس می‌کنند امیدهایشان واهی بوده است؛ چون جهانی که در آن زندگی می‌کنند عاری از فرصت به نظر می‌آید. امیدواریم این کتاب اطمینان و خوش‌بینی را در دل‌هایشان شعله‌ور سازد، اینکه آینده‌ای بهتر در انتظار آنهاست. آینده‌ای بهتر در انتظار همه ما است.